
بررسی تغییرات رفتارهای دینی ایرانیان بر پایه تحلیل داده‌های پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

اسداله بابایی فرد

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کاشان
(babaiefardm@gmail.com)

احسان صنعتکار

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان
(e.sanatkar@chmail.ir)

چکیده

در چند دهه گذشته و با افزایش شبکه ارتباطی، دسترسی سریع اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی، جامعه ایران با تغییر و تحولات فرهنگی مواجه بوده است که این دگرگونی‌ها اثرات متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله دینداری داشته است. هدف این تحقیق بررسی تحولات رفتارهای دینی ایرانیان بر اساس یافته‌های امواج سه گانه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴ با استفاده از روش تحلیل ثانویه بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد برخی از شاخص‌های اساسی دینداری، همچون اعتقاد به معاد، توکل به خدا و میزان انجام واجبات دینی، در چند سال اخیر روندی کاهشی داشته است و این در حالی است که برخی دیگر از شاخص‌ها همچون اعتقاد به داشتن قلب پاک، شرکت در مجالس روضه و غیره روندی صعودی داشته و برخی شاخص‌های دیگر نیز نسبتاً ثابت مانده است. این داده‌ها نشان می‌دهند که به تدریج با گونه‌های متعددی از اشکال دینداری روبه‌رو هستیم که شاید مهم‌ترین آن دین خصوصی شدن دین است که در حال ترویج در میان جوانان است.

واژگان کلیدی: ارزش‌ها، تغییرات، فرهنگ، رفتارهای دینی، پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.

مقدمه

هر آنچه که توسط انسان اتفاق می‌افتد یک پدیده فرهنگی^۱ است. در جهان آنچه مخلوق خداوند است طبیعت است و در طبیعت تنها موجودی که می‌تواند طبیعت خدا را به صورتی تغییر دهد که مصنوعی غیرطبیعی بسازد انسان است. بنابراین آنچه در جهان یافت می‌شود یا مخلوق خداوند یا مصنوع انسان است، و آنچه را انسان می‌سازد و یا کشف می‌کند یک پدیده فرهنگی است. انسان کاشف و سازنده با کشف و صنع، پیرامون خود را تغییر می‌دهد و این تغییرات در طول تاریخ به گونه‌های متفاوتی رقم خورده است گاهی تغییرات روندی کند و گاهی روندی سریع داشته‌اند. عصر ما به دلیل سرعت کشفیات و مصنوعات بیشترین سرعت تغییرات را نیز داشته است. سهم ایرانیان در سه قرن اخیر در گستره کشفیات و مصنوعات در اندازه‌های عظمت ایران نبوده است. اما در یک صد سال اخیر که به تدریج با آشنایی با تحولات غرب به خصوص تحولات صنعتی و اجتماعی و فرهنگی ایران نیز کم و بیش تغییر یافته است و در چهار دهه اخیر نیز با انقلاب ارتباطات، این تغییرات گسترش یافته و به شدت ملموس شده است. تغییرات فرهنگی در ایران به دلیل وارداتی بودن تحولات غرب به ایران در این قرن آنقدر زیاد است که در بعضی از اوقات باعث تقابل فرهنگ بومی و فرهنگ وارداتی شده و همین موضوع باعث گردید ملموس بودن تغییرات به شدت به چشم بیاید.

این که تغییرات مطلوب است یا خیر مورد سؤال نیست، آنچه مسئله است این است آیا روند تغییرات دیده شده و ثبت می‌گردد. به نظر می‌رسد وظیفه اصلی جامعه‌شناسی خاصه جامعه‌شناسی فرهنگی مطالعه این تغییرات و ثبت این تغییرات برای مطالعات بعدی است که در ایران یا صورت نگرفته و یا کمتر صورت گرفته است. به نظر می‌رسد تغییرات فرهنگی در نگرش‌ها از همه موارد دیگر ضروری‌تر است اگر نگرش‌ها در ایران مطالعه شود و نمودار آن همیشه در تابلوی برنامه‌هایمان باشد، آسان‌تر می‌توان مسائل و تغییرات فرهنگی را بررسی و تبیین نمود. دینداری در جامعه‌ی ایرانی یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که همچنان نقش محوری خود را در فراز و فرودهای جامعه‌ی ایرانی حفظ کرده و به احتمال فراوان موثرترین عامل در رقم زدن پویایی‌های این جامعه بوده است. بدون شک انجام پژوهش‌های دینی در میان اقشار مختلف مردم به شناخت بیشتر نقش دین در این پویایی‌ها کمک خواهد کرد. این تحقیق بنا دارد تا با روش تحلیل ثانویه^۲ دست به بررسی روند دینداری در میان امواج سه گانه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در طول سال‌های مختلف زده و به بررسی این موضوع بپردازد که آیا از میزان آنها کاسته شده یا بر آنها افزوده گردیده یا ثابت مانده و این تغییر در کدام بخش‌ها و به کدام دلایل فرهنگی بوده است. آیا این روال، روالی است ثابت و یا اینکه در برخی از سال‌ها شاهد تغییراتی چشم‌گیرتر نسبت به سال‌های دیگر بوده‌ایم. مطمئناً شناخت این تغییرات و البته تبیین این تغییرات به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک خواهد کرد تا با شناخت بهتری گام‌هایی صحیح در راستای اثر گذاری بر آن بردارند.

بیان مسأله

جامعه به‌عنوان یک کل و نظام بزرگ شامل اجزاء متعددی می‌شود. این جزءها که میدان، نهاد، عرصه، سازمان و غیره نام‌گذاری می‌شوند هر کدام دارای رویکرد و روایتی متفاوت هست. یکی از مهم‌ترین این نهادها که در طول تاریخ اثر ویژه‌ای بر جوامع گذاشته نهاد دین است. در واقع دین مفهومی است که در طول تاریخ در تمام جوامع بر انسان مؤثر بوده و اعمال، باورها و رفتارهای انسانی و حتی بسیاری از تحولات تاریخی تحت تأثیر نهاد دین بوده است. امیل دورکیم^۳ در کتاب خود به نام *اشکال/ ابتدایی زندگی دینی* معتقد است که قدیمی‌ترین جوامع نیز دارای گرایش یا اعتقاد به نوعی توتیم پرستی و ماوراءالطبیعه

^۱ Cultural phenomenon

^۲ Secondary analysis

^۳ Émile Durkheim

بوده‌اند و هیچ جامعه‌شناسی‌شده‌ای در طول تاریخ بدون دین نبوده است (دورکیم، ۱۳۸۹). تجربه زندگی بشر بر روی کره زمین نشان‌دهنده اهمیت دین در اجتماع است و از این رو همواره در طول تاریخ دین یکی از اصلی‌ترین منشأها و مبداهای تحولات و اتفاقات تا روزگار ما بوده است. دین از جمله متغیرهای اساسی است که اغلب صاحب‌نظران و اندیشمندان آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل نوع و روند تغییرات در اجتماع و بر روی افراد مورد تأکید قرار داده‌اند. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی باشد به نهادها شکل دهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را تحت نفوذ خود بگیرد. دین دائماً به‌طور متقابل بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی فرهنگی را شکل می‌دهد و از همان عناصر اجتماعی و فرهنگی نیز اثر می‌پذیرد و دچار تغییر می‌شود. باید اذعان کرد که در دهه‌های گذشته جریان پرشتاب تکنولوژی و فناوری و دسترسی سریع و آسان مردمی به اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی توانسته بر فرهنگ و نوع زندگی مردم اثر گذاشته و بسیاری از مسائل را دچار تغییر کرده که گستره این تغییرات شامل نهاد دین نیز شده است.

در طول تاریخ، ایران همیشه جامعه‌ای دینی بوده و دین در آن‌همه گیر بوده است؛ به‌گونه‌ای که در اغلب اوقات، دین فرانهادی بوده که سایر اجزای جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داده است. شاید به جرأت بتوان گفت که مطالعه جامعه‌شناختی در هر زمینه‌ای در ایران، بدون لحاظ کردن دین، ناممکن است (ملکیان، ۱۳۸۱). دین در کشور ما پدیده و نیروی اجتماعی تعیین‌کننده‌ای به شمار می‌آید و در محافل علمی نیز، جامعه ایران همواره جامعه مذهبی شناخته می‌شود و تقریباً تمام پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته برای سنجش دین‌داری ایرانیان مؤید این ادعا است (قادری و زارع، ۱۳۹۰). اما تحلیل‌های نظری بیانگر آن است که در جوامع در حال گذار دین‌داری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده می‌شود. دین‌داری در جامعه ایران نیز از این تحول مستثنی نیست (توسلی، ۱۳۸۵). در واقع جوامعی که در حال گذار بوده و دچار تغییرات گسترده می‌شوند بین نسل‌های مختلف خود به دلیل تحولات گسترده و متعدد با پدیده فاصله نسلی روبه‌رو شده و به‌نوعی دچار شکاف اجتماعی می‌شوند و این فاصله بین نسل‌های مختلف، خود را در افکار، عقاید، تعاملات اجتماعی، انتخاب‌های فردی و به‌صورت کلی در زندگی روزمره افراد نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر میان صاحب‌نظران و پژوهشگران نیز در بررسی جایگاه و نقش دین در میان مردم حالتی دوگانه ایجاد شده است. پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی در حوزه گفتمان دینی جوانان، مسائل، اختلاف‌ها و نگرانی‌هایی در زمینه نگرش و ارزش‌های دینی به وجود آمده که موجب ظهور گفتارهای متعارض در عرصه دین‌داری این سنخ شده است (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱). برخی معتقدند بر اساس آمارها و یافته‌ها همچنان جایگاه دین در بین مردم مستحکم است و در زندگی بسیاری از مردم نقش دین در تعاملات و زندگی روزمره آنان همچنان مطلوب و مناسب است و عمومیت و مقبولیت باورها و ارزش‌های دینی رو به گسترش است همچنان که بر اساس تقویم مذهبی و در ایام مناسبی همچون اعتکاف، اعیاد شیعی و آئین‌های عزاداری در طول سال حضور مردم در این‌گونه محافل و مراسمات پررنگ است و از اقشار مختلف مردم حضور پیدا می‌کنند. اما در طرفی دیگر بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند جلوه‌های دینی در زندگی افراد تا حد زیادی تنزل یافته است و دین در زندگی آنان جایگاه دهه‌های گذشته خود را چندان ندارد. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد در مقایسه با کشورهای کانادا، آمریکا و ترکیه، اگرچه جوانان ایرانی خود را مذهبی‌تر می‌دانند، اما در توجه به ارزش‌های دینی و انجام دادن مناسک دینی رغبت کمتری دارند (کاظمی پور، ۱۳۸۶).

بر پایه برخی مشاهدات هرچند جوانانی با رفتن به اماکن زیارتی و شرکت در مراسمات دینی همچون آئین‌های سوگواری خود را تا حدی مذهبی تلقی می‌کنند اما در پوشش و برخی رفتارها همچون شرکت در جشن‌های شبانه و دوستی با جنس مخالف بیانگر پیچیدگی این طرز تلقی است. به‌عبارت‌دیگر باید اذعان کرد هرچند مردم خود را مذهبی می‌پندارند و داعیه آن را دارند اما در یک چرخش بازاندیشانه معنا و برداشتشان به دلایل متعدد از این مفهوم تا حدی تغییر کرده است. یافته‌های پژوهشی در این زمینه به‌طور کل گویای این است که هرچند باورها و عواطف دینی حاضر و بادوام است اما پذیرش و اجرای

تمام ابعاد دین‌داری از جانب جوانان مورد تردید است (اعظم و توکلی، ۱۳۸۶). همچنین محققانی مانند ساروخانی و صداقتی فرد (۱۳۸۸) معتقدند که ویژگی‌های موجود در سبک زندگی نسل جدید باعث ایجاد ماهیتی نو و متفاوت از دین‌داری برای نسل نوین شده است. در واقع این پژوهش درصدد است با روش تحلیل ثانویه برپایه داده‌های امواج سه گانه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که مجری آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران با کمک پژوهشگران سراسر کشور انجام داده، برخی از تغییرات در امر دینداری ایرانیان را بررسی و علل آن را واکاوی نماید.

نسبت بین دین و فرهنگ

در بررسی نسبت بین دین و فرهنگ، می‌توان به شقوق مختلفی اشاره نمود. پیروزمند در بحث نظریه پردازی نسبت دین و فرهنگ به سه نسبت اشاره می‌کند: اول اینکه دین محصول فرهنگ است. در این حالت دین یکی از نهادهای زیر مجموعه فرهنگ و ساخته و پرداخته انسان است. در این دیدگاه، که نمایندگان آن آگوست کنت^۴ و هافسند^۵ هستند، دین در خدمت فرهنگ است. در حالت دوم، دین از عوامل فرهنگ ساز به شمار می‌رود. در این دیدگاه دین یکی از اجزای فرهنگ است و در عرض آن قرار دارد و دین در فرهنگ سازی و فرهنگ در دین سازی اثرگذار است. البته در این دیدگاه دین تنها به محدوده اخروی و فردی محدود است و از آن فراتر نمی‌رود. وی، این دیدگاه را حاصل نظریه جامعه‌زدایی دورکیم و نماینده این دیدگاه را فخر رازی، بازرگان و سروش می‌داند و معتقد است چنین نگرشی تفسیری ناقص از فرهنگ و دین به دست می‌دهد.

پیروزمند در نهایت، حالتی را عنوان می‌کند که در آن، دین منشا فرهنگ‌سازی و در تمام شئون فردی، اجتماعی و تاریخی حاضر است. همچنین فرهنگ و دین در بخش‌های اخلاقی، ارزشی و اعتقادی با هم قرابت و نزدیکی دارند. در چنین حالتی با توجه نبود تفسیر ثابت از دین، اعتقاد به تکامل پدیده فرهنگ و تبیین درست و منطقی از ارتباط بین فرهنگ متغیر و دین ثابت، می‌توان حضور دین را در بخش‌های مختلف فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار داد. پیروزمند برای روشن شدن تأثیر دین در فرهنگ، در سه بخش فرهنگ عمومی، تخصصی و بنیادی این مسئله را مورد بررسی قرار داده و اعتقاد دارد که دین می‌تواند منشاء فرهنگ‌سازی قرار گیرد و در هر سه حیطه تأثیرگذار باشد. در تحلیل حالت‌های ذکر شده، نکاتی قابل توجه است. از جمله اینکه دین نمی‌تواند محصول فرهنگ باشد. به این دلیل که در برخی امور مستقل از فرهنگ و شرایط زیستی است. همچنین دین نمی‌تواند ساخته بشر باشد زیرا دین اعتبار خود را از ماهیت مافوق بشری‌اش می‌گیرد و این همان چیزی است که در اعصار مختلف، نیاز به آن در انسان احساس شده است. حالت دیگر اینکه، دین منشاء فرهنگ سازی قلمداد شود. دین می‌تواند فرهنگ خاصی را به وجود آورد، اما این فرهنگ آمیخته با شرایط زیستی است. در نهایت، در حالت سوم که دین، یکی از عوامل فرهنگ ساز، تلقی می‌شود، باید به تبیین رابطه و نسبت دین و فرهنگ با یکدیگر پرداخت. در این حالت، دین و فرهنگ در تبادلی با یکدیگر قلمداد می‌شوند و در رابطه‌ای متقابل، عناصری را از هم می‌گیرند و به هم اضافه می‌کنند.

گیرتز، دین را نظامی فرهنگی معرفی می‌کند، نظامی نمادین که نظم منسجمی از هستی ارائه می‌دهد و از این راه، عواطف و انگیزه‌های دینداران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نمادهای اعتقادات و فعالیت‌های دینی، نظامی از ارزش‌ها را فراهم می‌آورد که الگویی از آنچه که هست و آنچه باید باشد، ارائه می‌دهند. گیرتز معتقد است، جنبه آرمانی دین، هم به تغییر و کنترل وضعیت موجود جامعه می‌پردازد و هم چهره‌ای از آنچه در عمل باید در جامعه وجود داشته باشد را نشان می‌دهد. بنابراین، نظام تماشین که فرهنگ، سازنده آن است، نه منحصراً بازتاب صرف ساختارهای اجتماعی، و نه کاملاً مستقل از آن است. در واقع، این نظام‌های نمادین پاسخی به مسئله معنا هستند که در تجارب واقعی انسان مانند شر، رنج و نظیر این‌ها

^۴ Auguste Comte

^۵ Geert Hofstede

ظهور می‌یابند. زندگی بر پایه آیین‌های این نظام نمادین ساختار پیدا می‌کند، جهان‌بینی که ارائه دهنده عقاید و آرمان‌های کلی است، حاصل می‌شود و نظام اخلاقی ارائه می‌گردد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۴). نکته دیگری که باید در بحث ارتباط دین و فرهنگ در نظر داشت، توجه به لایه‌های مختلف فرهنگ است. لایه اول فرهنگ، مربوط به جهان‌بینی است و از نوع تفکر، باور و اندیشه است. لایه دوم، مربوط به ارزش‌ها است که منتج از لایه اول است و معیارهایی برای قضاوت در اختیار قرار می‌دهد. لایه سوم مربوط به الگوهای رفتاری، هنجارها و رفتارهای نهادهای مختلف خانواده، مدرسه، دین و سیاست و نظیر این‌ها است. در نهایت لایه چهارم یا سطحی‌ترین لایه مربوط به نمادهای کلامی و غیرکلامی است. با در نظر داشتن این لایه‌ها حیطة اثرگذاری دین را می‌توان در بخش‌های عمیق‌تر، آنجا که مربوط به جهان‌بینی و ارزش‌هاست، دانست که در امتزاج با عناصر دیگر فرهنگ، لایه‌های بیرونی‌تر را می‌سازند تا در نهایت آنچه در جامعه به عنوان رفتارهای اجتماعی روی می‌دهد، مشاهده شود.

تغییرات فرهنگی

جامعه‌شناسان جایگاه فرهنگ را در جامعه انسانی به حدی ممتاز به حساب می‌آورند که به طور اساسی امتیاز انسان را نسبت به دیگر موجودات اجتماعی، در فرهنگی بودن او می‌دانند و رابطه هر فرهنگ را با جامعه خاص خود، رابطه‌ای دوسویه قلمداد می‌کنند؛ به گونه‌ای که جامعه‌ای فاقد فرهنگ و با وجود فرهنگ بدون در نظر گرفتن جامعه، قابلیت تحقق ندارد. هنجارهای فرهنگی به مثابه قواعد و الگوهای رفتاری معینی بر پایه ارزش‌های آن جامعه، سامان بخش رفتارهای اعضای جامعه اند که نتیجه آن هم‌نوایی اجتماعی در تعامل‌های اجتماعی و نیز بر آورده شدن انتظارات از همدیگر است؛ در این صورت، ناقض هنجارها در جامعه به عنوان منحرف و کجرو شناخته می‌شود. اهمیت این هنجارها آنچنان است که عوامل مختلفی همچون خانواده، مراکز آموزشی و تربیتی، رسانه‌های جمعی و ... برای فراگیری افراد جامعه جهت تبعیت از آن الگوها و معیارهای رفتار دست‌اندرکارند؛ گو این که همین عوامل، خود نیز در چارچوب همان هنجارها فعال‌اند.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ، اعم از فرهنگ مادی و معنوی، تغییر پذیری است. این تغییرات در بخش فرهنگ مادی یا به تعبیر دیگر تمدن که شامل جنبه‌های محسوس و ملموس فرهنگ همانند ابزار و فنون و اختراعات و ... می‌شود، سریع‌تر به وقوع پیوسته و با همراهی و موافقت عمومی مواجه می‌شود؛ هر چند وضعیت جدید، به مرور تغییرات رفتاری متناسب با خود را به دنبال خواهد آورد (رفیع پور، ۱۳۷۸). اما تغییرات در بخش فرهنگ معنوی که شامل اعتقادات و باورها و ارزش‌های حاکم است، به جهت کندی قبول تغییرات در این بخش، تلقی به ثبات آن‌ها می‌شود. ویژگی مزبور اشاره به این نکته دارد که رخداد تغییر در الگوهای رفتاری و فرامادی یک فرهنگ، به اندازه‌ای ملایم و کند است که گویا اساساً تغییری رخ نمی‌دهد؛ چنان‌چه بخواهد تغییرات سریعی در الگوهای هنجارین یک فرهنگ رخ دهد، اول آنکه به جهت نهادینه و نیز مأنوس بودن این هنجارها در رفتارهای مردم، پذیرش تغییرات در آنها توسط اکثریت اعضای جامعه به راحتی میسر نخواهد بود و بلکه با مقاومت‌هایی مواجه خواهد شد و دیگر اینکه بیشتر جامعه، کسانی را که به شیوه‌های رفتاری جدید روی آورده‌اند، به عنوان افراد منحرف و نقض‌کنندگان هنجارها نگاه می‌کنند و به مقابله و ستیز با آنان می‌پردازند. به هر حال خاستگاه تغییرات رفتاری در مردم، تغییر در عناصر فرهنگ بخصوص در ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است که بروز و ظهور این تغییرات در اندیشه و عمل و رفتار افراد جامعه نمایان می‌شود.

تغییرات هویتی

با توجه به این که ایرانی‌ها تاکنون دوره‌های گوناگون تاریخی را پشت سر گذاشته‌اند و تحت تأثیر جهان‌بینی‌ها و اندیشه‌های مختلف بوده‌اند در تکوین هویت فرهنگی ایرانیان، توجه به سه نکته ضروری است که ایرانیان در طول تاریخ خود، سه لایه

فرهنگی را تجربه کرده‌اند و از آن‌ها در سامان بخشیدن به هویت خویش سود جستند. هر چند هویت اسلامی در مقایسه با موج تجدد و ایرانیت، سهم بیشتری را در سبد هویتی ملت ایران دارد. بنابراین، هویت فرهنگی معاصر ایرانیان باید با لحاظ منابع هویتی ایرانی، اسلامی و غربی مورد توجه قرار گیرد. لذا در منابع سه گانه فوق، گرچه ایرانیت طول تاریخی گسترده‌تری را به خود اختصاص داده، اما این اسلامیت، و به ویژه تشیع است که در حافظه تاریخی ایرانیان جزء رسوبات فعال شده و عملاً به هسته سخت هویت تبدیل شده است. از سوی دیگر، معاصر بودن متأثر از موج منبع هویت غربی، هویت فرهنگی، جزء لایه سطحی هویت بوده و به حافظه تاریخی و رسومات سخت فرهنگی ایرانیان نپیوسته است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹). البته گاهی میان این سه لایه فرهنگی، تعارضاتی نیز رخ داده است، چرا که هر یک از این لایه‌های فرهنگی، با شرایط اجتماعی سیاسی خاصی متناسب است. به گونه‌ای که در هر عصر، یکی از این لایه‌ها غالب شده، دو لایه دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. این سه لایه فرهنگی، عبارتند از: ۱. فرهنگ ایران باستان؛ ۲. فرهنگ اسلامی؛ ۳. فرهنگ غربی (اشرفی، ۱۳۸۰).

چنانچه میان منابع هویتی هم‌سوئی و سازگاری وجود نداشته باشد، در شکل‌گیری هویت اختلالاتی پدید می‌آید. مقصود این نیست که هیچ‌گونه مغایرتی میان این منابع نباید وجود داشته باشد، بلکه از برآیند آنها، می‌بایست نوعی هماهنگی حاصل شود (زهیری، ۱۳۸۹). ایران و ایرانیت، یک منبع هویت سرزمینی و تاریخی است. اسلام، یک منبع هویت معنوی، اعتقادی و یک جهان بینی وسیع اجتماعی - سیاسی است. لیبرالیسم غرب، منبعی فلسفی با کاربردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. زمانی که ایرانیت و ایران، به منزله یک منبع ملی و ناسیونالیستی و معطوف به قدرت سیاسی تعریف می‌شود، همیشه با اسلامیت و مسلمان بودن هماهنگی ندارد؛ زیرا اسلام خود یک منبع هویت سیاسی است. واحد و دامنه عملکرد ایرانیت، محیط جغرافیایی کشور ایران است. در حالی که یک مسلمان نمی‌تواند صرفاً به این محدوده کفایت کند و اهداف خود را در آن تعریف کند. تفکر اسلامی وسیع‌تر از جغرافیای یک قوم و ملت خاص است و همه ملت‌های مسلمان و به عبارتی، امت اسلامی را دربر می‌گیرد. بنابراین، وقتی ایران و اسلام جنبه سیاسی پیدا می‌کنند، ضرورت مکمل یکدیگر نیستند و متون فلسفی و فکری یک قرن اخیر ایران نیز شاهدهی بر این مدعاست که به وضوح تعارضات راه ایرانی و راه اسلامی، در جهت‌گیری‌های کلان کشور تعیین‌کننده است.

خود همین مسأله ممکن است زمینه ساز شکاف در لایه‌های زیرین فرهنگی باشد. اما با مراجعه به تاریخ ایران دوره اسلامی، کاملاً آشکار است که بین دو هویت ایرانی و اسلامی، به جز در چند مورد، شکاف چندانی وجود ندارد. منشأ نهضت‌های شعوبیه به طور عمده، مربوط به منازعه میان ایرانیان با حاکمان دولت خلافت بوده است. اگر چه برخی تلاش می‌کنند تفسیری دیگر، مبنی بر ستیز میان ایران و اسلام ارائه دهند. به نظر می‌رسد، شکاف میان دو بعد ایرانی و اسلامی هویت، زمانی فعال می‌شود که ارزش‌های حاصل از این منابع هویتی، در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. در این صورت، به جای اینکه منابع هویتی، محوری برای تجمع منافع سیاسی باشند، به شکاف‌های هویتی یاری می‌رسانند (زهیری، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد، پس از انقلاب اسلامی نیز شکاف بین ایرانیت و اسلامیت در سطح کلی خود را نمایان کرده است و همچون گفتمان‌های دیگر، در معرض دگرگونی و سیورورت شکلی و ماهوی و تکثر درونی بوده است. گفتمان اسلامیت، پیرامون آرمان‌های اسلامی سامان یافت و گفتمان ایرانیت، با عنوان پاسداری از دولت ملی مطرح شد (تاجیک، ۱۳۸۶). به هر حال، تجربه تاریخی نشان داده است که شکاف عمیقی میان دو لایه ایرانی و اسلامی هویت ایجاد نشده و تنها برخی کنش‌های محیط‌های سیاسی، منجر به فعال شدن اختلافات میان این دو لایه شده است. شکاف در منابع هویتی ایرانیان، زمانی آغاز شد که وارد عرصه تمدن جدید شدیم و رقابت اصلی میان اسلام و لیبرالیسم، ماهیت اصلی ماتریس بحران هویت ایرانی را شکل داد. از یک سو، فضاهای مشترک میان این دو بسیار محدود است. از سوی دیگر، هر دو دارای منظومه فکری - فلسفی مستقلی هستند و برای اداره حیات بشری، نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوتی دارند. پس بحران هویت در ایران، تقابل میان تفکر لیبرالیستی و تفکر اسلامی است، نه ایرانیت و اسلامیت (زهیری، ۱۳۸۳).

بنابراین، چندگانگی منابع هویتی ایرانیان، می‌تواند موجب شکاف‌های فرهنگی شود. هر چند این چندگانگی بین ایرانی بودن و اسلامی بودن، به خاطر مشابهت‌های فرهنگی و دینی، شکاف‌های عمیقی ایجاد نکرده است، اما با استقرار حکومت دینی، برخی‌ها تلاش کردند تا بین ایرانییت و اسلامیت دوگانگی ایجاد کند و آن دو را از حالت تعامل، به تقابل تبدیل کنند. همین تلاش‌ها موجب شد تا شکاف‌هایی در این خصوص در جامعه پدیدار شود. مهم‌ترین تقابل‌هایی که می‌توان در درون جامعه مشاهده کرد، عبارتند از: تقابل اسلامیت - ایرانییت، تقابل ملیت - قومیت، تقابل زبان رسمی - محلی و تقابل فرهنگ رسمی - خرده فرهنگ، این تقابل‌ها در درون ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی وجود دارند، اما تا زمانی که به عرصه عمل و کنش اجتماعی کشیده نشوند، بحران‌زا نخواهند بود. اما وقتی به کنش اجتماعی تبدیل شوند و تقابل‌ها به سطح جامعه کشیده شوند، بحران‌زا خواهند بود. بحران‌هایی که منشأ هویتی دارند و با عنوان بحران هویت شناخته می‌شوند (درخشه و جعفر پور، ۱۳۸۸). اما آنچه بیشتر در تقابل با هویت فرهنگی ایرانیان بوده و شکاف عمیقی در ایدئولوژی و جهان بینی ایجاد می‌کند، تقابل سنت با مدرنیته است که در بخش شکاف‌های موقعیتی تبیین می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، تحلیل ثانویه است. این روش، تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند. هاکیم^۶ تحلیل ثانوی را این گونه تعریف می‌کند: هر تحلیل بعدی از مجموعه اطلاعات موجودی است که تفسیر، نتیجه‌گیری با شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن ارائه می‌دهد. این روش استفاده مجدد از داده‌های پژوهش‌های دیگری است که قبلاً به منظور دیگری گردآوری شده‌اند. مزیت این روش این است که ما می‌توانیم از داده‌های پژوهش‌های در سطح ملی که توسط سازمان‌های معتبر انجام شده‌اند و ما توانایی انجام چنین پژوهش‌هایی نداریم با کمترین وقت و هزینه استفاده کنیم. در این روش باید اطمینان حاصل نمود که داده‌هایی که از آن‌ها استفاده می‌کنیم از اعتبار کافی برخوردار باشند. در این پژوهش از داده‌هایی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده استفاده می‌کنیم تا بر مبنای یک پژوهش معتبر که توسط یک سازمان و بر یک مبنای گردآوری شده، تحولات دینداری را بررسی کنیم. در ادامه به معرفی اجمالی این سه پیمایش می‌پردازیم:

۱. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول) یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ۱۳۷۹: این پیمایش در سال ۱۳۷۹ توسط دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است. پس از آن که پرسشنامه مقدماتی با حدود ۲۷۰ سؤال آماده شد، پیش‌آزمون صورت پذیرفت. هدف از انجام پیش‌آزمون، ابتدا شناخت محدودیت‌ها و نارسایی‌های احتمالی پرسشنامه مقدماتی و سپس ایجاد آمادگی در پرسشگران برای ورود به مرحله جمع‌آوری داده‌ها بوده است. تعداد ۶۰۶ مصاحبه آزمایشی یعنی حدود ۳ درصد حجم نمونه اصلی در این مرحله انجام شده است. در این مرحله کلیه واکنش‌های پاسخگویان در مورد هر سؤال ثبت و در مرحله بازنگری سولات پرسشنامه لحاظ گردیده است. علاوه بر آن برای شناخت محدودیت‌های پرسشنامه، محاسبات آماری متعددی بر روی داده‌ها انجام گرفت. پس از انجام پیش‌آزمون و ارزیابی اعتبار و روایی پرسشنامه مقدماتی، پرسشنامه نهایی با حدود ۱۸۹ سؤال تدوین گردید. جامعه آماری این طرح مجموعه افراد ۱۰ ساله و بالاتر خانوارهای معمولی ساکن در هر یک از ۲۸ شهر مرکز استان در زمان جمع‌آوری اطلاعات (اسفندماه ۱۳۷۹) بوده است. تعداد نمونه در این پیمایش حدود ۱۷ هزار نفر بوده است.

۲. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ۱۳۸۱: هدف این پژوهش که توسط دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است، ارائه تصویر عمومی و کلی از وضعیت نگرش و رفتار جامعه

^۶ Hakim

است. جامعه آماری این پیمایش کلیه افراد ۱۰ ساله به بالا هستند که در موقع جمع آوری داده‌ها یعنی ۱۳۸۱ در مراکز استان‌ها زندگی می‌کردند. تعداد نمونه حدود ۵۰۰۰ نفر بوده است. تمام مراحل که برای طراحی پرسشنامه و اعتبار و پایایی آن برای پیمایش سال ۱۳۷۹ یعنی موج اول انجام گردیده است برای این تحقیق نیز انجام شده است.

۳. یافته‌های ملی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)، ۱۳۹۴: هدف اصلی این پیمایش در ادامه امواج قبلی و برای تبیین آخرین تصویر عمومی و کلی از وضعیت نگرش و رفتار جامعه ایرانی است. جامعه آماری این پیمایش مجموع افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی در ۳۱ استان کشور بوده اند. حجم کل نمونه‌ها در کل کشور برابر با ۱۴۹۰۶ نفر بوده که روش نمونه‌گیری چندمرحله صورت گرفته است. تمام مراحل که برای طراحی پرسشنامه و اعتبار و پایایی آن برای پیمایش موج اول و دوم انجام گردیده است برای این تحقیق نیز انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

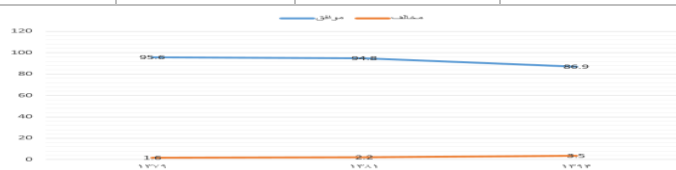
در این بخش باتوجه به داده‌های امواج سه گانه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در طول سال‌های مختلف، به توصیف روند برخی از شاخص‌های همسان این سه موج در دینداری پرداخته و سپس پیرامون آن روند افزایشی یا کاهش‌ی آن را تحلیل خواهیم کرد.

الف) نگرش‌ها و باورهای دینی

۱. اعتقاد به معاد: در هر سه موج این گویه آمده است که شما با این عقیده که «اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود» چقدر موافقت یا مخالف؟

جدول شماره ۱: وضعیت تغییرات در اعتقاد به معاد

تغییرات در اعتقاد به معاد	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۹۴
کاملاً مخالف	۰.۴		۰.۹
مخالف	۱.۲	۲.۲	۲.۶
مردد	۲.۷	۲	۹.۷
موافق	۳۲.۴	۹۴.۸	۳۹
کاملاً موافق	۶۳.۲		۴۷.۹
تعداد	۱۶۷۹۱	۴۵۳۱	۱۴۸۰۹



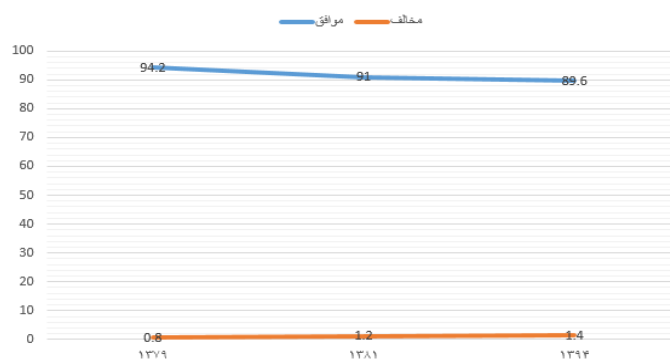
نمودار ۱: وضعیت تغییرات در اعتقاد به معاد

بر اساس یافته‌های این سه موج، اعتقاد ایرانیان به محاسبه اعمال در روز جزا یا به تعبیری اعتقاد به معاد از ۹۵.۶ درصد سال ۱۳۷۹ در طول ۱۵ سال روندی نزولی داشته و در سال ۱۳۹۴ به ۸۶.۹ درصد رسیده است. و به همین نسبت نیز حدود ۲ درصد مردم نیز به طور کامل نسبت به عدم وجود معاد اعتقادشان افزایش یافته است.

۲. توکل به خدا: این گویه در موج اول به صورت «هر چند وقت یکبار از خدا کمک می خواهید؟» و در موج دوم و سوم به صورت «در انجام امور مهم زندگی چقدر به خدا توکل می کنید؟» آمده است.

جدول شماره ۲: وضعیت تغییرات در مفهوم توکل به خدا

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	توکل به خدا
۰.۶		۰.۲	خیلی کم / هیچ وقت
۰.۸	۱.۲	۰.۶	کم
۸.۹	۷.۱	۵	متوسط
۳۳.۶	۹۱	۱۸.۱	زیاد
۵۶		۷۶.۱	خیلی زیاد
۱۴۸۸۳	۴۵۸۰	۱۶۸۱۰	تعداد



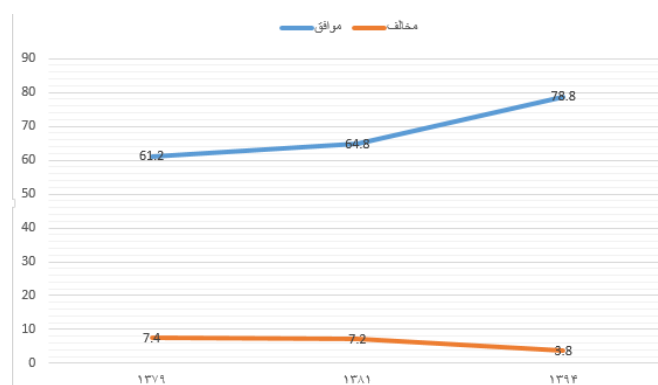
نمودار ۲: وضعیت تغییرات در مفهوم توکل به خدا

میزان توکل مردم به خدا نیز در طول سه دهه متفاوت نیز روند نزولی داشته است و از ۹۴.۲ به ۹۱ و سپس به ۸۹.۶ درصد رسیده است. به همین نسبت نیز عدم توکل به خدا نیز ۰.۸ به ۱.۲ و سپس به ۱.۴ رسیده که نشان می دهد روند صعودی داشته است. در واقع با کاهش ایمان به معاد، توکل و استعانت از خداوند نیز در مردم متزلزل شده و روند کاهشی داشته است.

۳. احساس نزدیکی به خدا: این گویه در موج اول به صورت «هر چند وقت یکبار احساس می کنید به خدا نزدیک شده اید؟» و در موج دوم و سوم به صورت «چقدر به خدا احساس نزدیکی می کنید؟» آمده است.

جدول شماره ۳: وضعیت تغییرات در مفهوم احساس نزدیکی به خدا

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	احساس نزدیکی به خدا
۱		۱.۱	خیلی کم/ هیچ وقت
۲.۸	۷.۲	۶.۳	کم/ به ندرت
۱۷.۴	۲۸.۱	۳۱.۵	متوسط/ گاهی اوقات
۳۵.۹	۶۴.۸	۳۳.۳	زیاد/ اکثر اوقات
۴۲.۹		۲۷.۹	خیلی زیاد/ همیشه
۱۴۸۶۶	۴۵۷۷	۱۶۷۶۴	تعداد



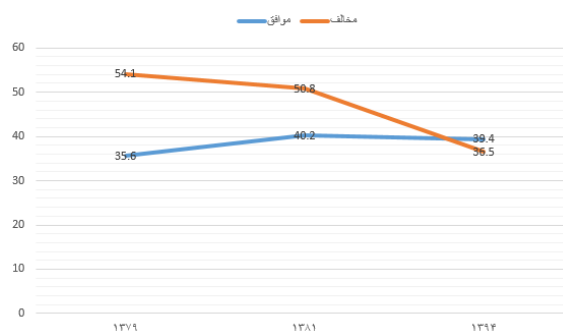
نمودار ۳: وضعیت تغییرات در مفهوم احساس نزدیکی به خدا

پاسخ دهندگان به گویه میزان احساس نزدیکی به خدا به طور چشمگیری افزایش داشته است و از ۶۱.۲، به ۶۴.۸ و سپس در سال ۱۳۹۴ به ۷۸.۸ رسیده است. به نظر می‌رسد هرچند باور به معاد و میزان توکل به خدا کاهش، یافته اما بعضاً تجربه‌های دینی در میان افراد افزایش یافته که منجر به افزایش احساس نزدیکی افراد به خدا بوده است.

۴. داشتن قلب پاک: این گویه در موج اول به صورت «دینداری به قلب پاک است ولو اینکه آدم اعمال مذهبی (نماز، روزه و...) را انجام ندهد» و در موج دوم و سوم به صورت «دینداری به قلب پاک است حتی اگر آدم نماز نخواند» آمده است.

جدول شماره ۴: وضعیت تغییرات در مفهوم داشتن قلب پاک

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	داشتن قلب پاک
۱۱.۶		۱۷.۴	خیلی کم/کاملاً مخالف
۲۴.۹	۵۰.۸	۳۶.۷	کم/مخالف
۲۴.۲	۹.۰	۱۰.۲	متوسط/مردد
۲۹.۸	۴۰.۲	۲۶.۶	زیاد/موافق
۹.۶		۹	خیلی زیاد/کاملاً موافق
۱۴۵۸۷	۴۴۵۹	۱۶۷۳۳	تعداد



نمودار ۴: وضعیت تغییرات در مفهوم قلب پاک

گویه «دینداری به قلب پاک است و نه به عمل دینی، همچون نماز»، در طول ۱۵ سال گذشته به طور قابل ملاحظه‌ای تثبیت و رشد یافته است به گونه‌ای که مخالفان آن به شدت کاهش یافته و از ۵۴.۱ سال ۱۳۷۹ به ۵۰.۸ و سپس به ۳۶.۵ در سال ۱۳۹۴ رسیده‌اند. موافقان نیز تا حدی رشد داشته و از ۳۵.۶ در موج اول به ۳۹.۴ در موج سوم رسیده‌اند که به نوعی نشان دهنده دینداری شخصی و رشد دین بدون عمل و احکام و دینداری بی‌شکل است.

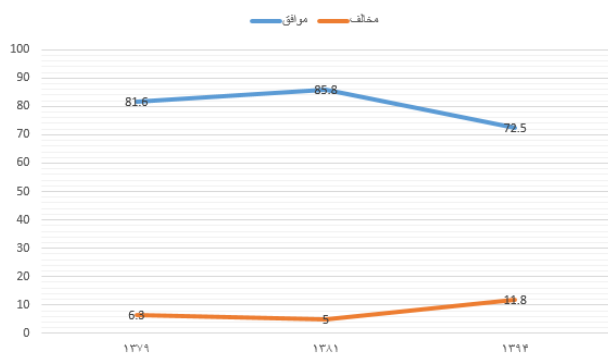
ب) انجام و اعمال مناسک دینی

۱. انجام واجبات: این گویه در موج اول به صورت «شما چقدر اعمال واجب دینی (نماز، روزه و...) خود را انجام می‌دهید؟»، در موج دوم به صورت خاص از دو گویه جداگانه برای نماز و روزه به شکل «خود شما چطور طی یک سال گذشته نمازتان را مرتب خوانده‌اید» و «تا چه حد مقید به روزه گرفتن در ماه رمضان هستید» آورده شده و در موج سوم در قالب گویه انجام دادن اعمال و مناسک دینی با سه زیر گویه نماز، روزه و خمس و زکات آورده شده است.

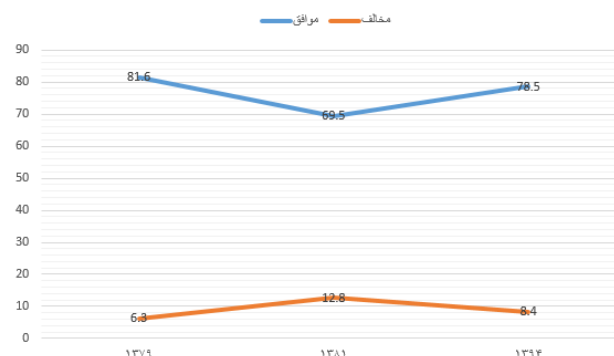
جدول شماره ۵: وضعیت تغییرات در انجام واجبات

۱۳۹۴		۱۳۸۱		۱۳۷۹		انجام واجبات
خمس و زکات	روزه	نماز	روزه	نماز	اعمال واجب دینی	
۱۹.۹	۵.۱	۳.۱			۱.۹	هیچ وقت
۱۶.۸	۶.۷	۵.۳	۵.۰	۱۲.۸	۴.۴	به ندرت
۲۳.۳	۱۵.۷	۱۳	۹.۲	۱۷.۶	۱۲.۲	گاهی
۱۸.۲	۲۱.۷	۲۰	۸۵.۸	۶۹.۵	۲۲.۶	اکثر اوقات
۲۱.۷	۵۰.۸	۵۸.۵			۵۹	همیشه
۱۴۴۴۸	۱۴۵۵۶	۱۴۶۰۱	۴۵۰۹	۴۵۴۷	۱۶۷۶۹	تعداد

بر اساس داده های امواج سه گانه، واجبات دینی در هر دو گویه نماز و روزه رو به کاهش می باشد. شاخص نماز خواندن از ۸۱.۶ به ۶۹.۵ و سپس به ۷۸.۵ رسیده است که هرچند آخرین موج نسبت به موج دوم رشد ۹ درصدی داشته اما نسبت به موج اول کاهش ۳.۱ کاهش داشته است. همچنین در شاخص روزه گرفتن نیز شاهد کاهش چشمگیری نسبت به نماز خواندن هستیم به نحوی که از ۸۱.۶ به ۷۲.۵ در سال ۱۳۹۴ رسیده است و مخالفان روزه گرفتن از ۶.۳ به ۱۱.۸ در موج سوم رسیده اند. این موارد نشان می دهد نسل جدید چندان پایبند به اعمال دینی نبوده و اعمال دینی روندی کاهشی را دارا خواهد بود.



نمودار ۶: وضعیت تغییرات در مفهوم واجبات (روزه)

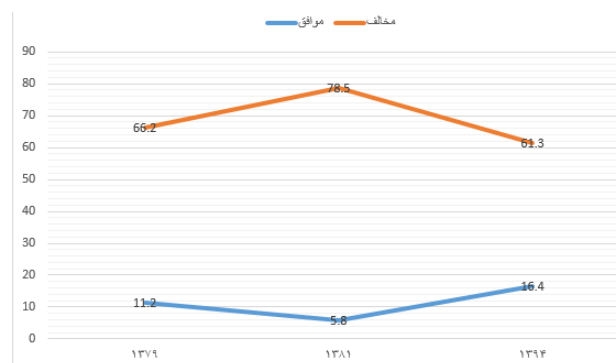


نمودار ۵: وضعیت تغییرات در مفهوم واجبات (نماز)

۲. شرکت در نماز جماعت: در هر سه موج این گویه آمده است که «شما هر چند وقت یکبار در نماز جماعت شرکت می کنید».

جدول شماره ۶: وضعیت تغییرات در مشارکت در نماز

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	
۱۷.۳		۲۲.۹	هیچ وقت
۲۷.۲	۵۹.۲	۲۶	به ندرت
۲۹.۲	۲۶.۲	۳۰.۹	گاهی
۱۵.۲	۱۳.۹	۱۴.۱	اکثر اوقات
۱۱		۶.۱	همیشه
۱۴۵۳۸	۴۵۴۷	۱۶۳۱۴	تعداد



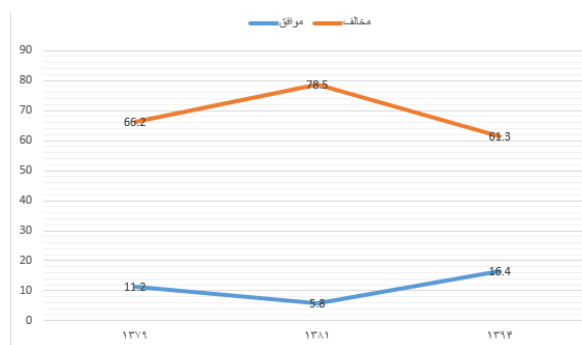
نمودار ۷: وضعیت تغییرات در مشارکت در نماز جماعت

هر چند گویه نماز خواندن مردم رو به کاهش است اما با این حال در بین نماز خوان‌ها، گویه نماز جماعت روندی کاهشی اما سپس روندی افزایشی داشته است به نحوی که از ۲۰.۲ به ۱۳.۹ و سپس در موج سوم به ۲۶.۲ رسیده است که نسبت به ۱۵ سال گذشته دارای رشدی ۶ درصدی بوده است.

۳. شرکت در نماز جمعه: در هر سه موج این گویه آمده است که: «شما هر چند وقت یکبار در نماز جمعه شرکت می کنید؟».

جدول شماره ۷: وضعیت تغییرات در مشارکت در نماز جمعه

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	
۳۱.۷		۳۷.۶	هیچ وقت
۲۹.۶	۷۸.۵	۲۸.۶	به ندرت
۲۲.۳	۱۵.۷	۲۲.۶	گاهی
۹.۸	۵.۸	۷.۶	اکثر اوقات
۶.۶		۳.۶	همیشه
۱۴۵۵۱	۴۵۴۶	۱۶۳۰۲	تعداد



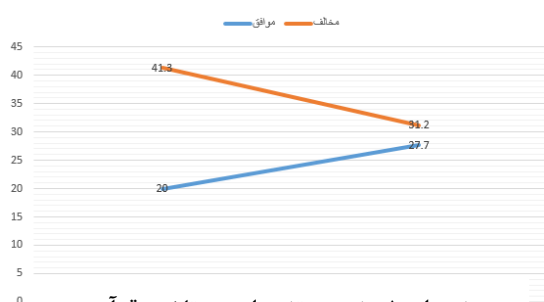
نمودار ۸: وضعیت تغییرات در مشارکت در نماز جمعه

گویه نماز جمعه از ۱۱.۲ در سال ۱۳۷۹ به ۵.۸ در سال ۱۳۸۱ و سپس به ۱۶.۴ در سال ۱۳۹۴ رسیده است که نشان می‌دهد رغبت کلی افراد نماز خوان به نماز جمعه ۵.۲ افزایش داشته است. همچنین مخالفان نماز جمعه نیز از ۶۶.۲ به ۷۸.۵ و سپس به ۶۱.۳ در سال ۱۳۹۴ رسیده اند که به طور کلی نشان می‌دهد روندی کاهشی داشته است.

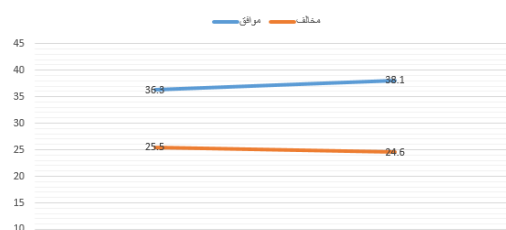
۴. سایر اعمال دینی: این گویه در دو موج دوم و سوم وجود داشته است که البته برخی گویه‌ها در این دو موج بایکدیگر نیز متفاوت بوده و صرفاً در این بخش گویه‌های مشترک را آورده‌ایم.

جدول شماره ۸: تغییرات در انجام سایر اعمال دینی

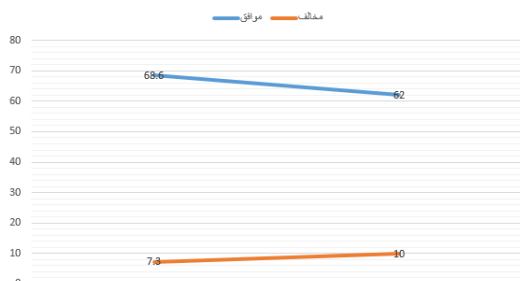
استخاره کردن		زیارت اماکن متبرکه		صدقه دادن		شرکت در مجالس روضه		تلاوت قرآن		انجام سایر اعمال دینی
۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۹۴	۱۳۸۱	
۲۰.۶		۴.۴		۱.۲		۶.۳		۹.۱		هیچ وقت
۳۱.۹	۴۷.۷	۱۸.۷	۲۳.۳	۸.۸	۷.۳	۱۸.۳	۲۵.۵	۲۲.۱	۴۱.۳	به ندرت/ کم
۲۷.۳	۲۷.۳	۴۴.۰	۴۲.۰	۲۸.۰	۲۴.۲	۳۷.۴	۳۸.۲	۴۱.۱	۳۸.۱	گاهی / متوسط
۱۳.۳	۲۵.۱	۲۳.۹	۳۴.۷	۳۴.۲	۶۸.۶	۲۵.۸	۳۶.۳	۱۸.۸	۲۰	اکثر اوقات/ زیاد
۶.۹		۹.۱		۲۷.۸		۱۲.۳		۸.۹		همیشه
۱۴۵۲۱	۴۵۴۷	۱۴۵۶۷	۴۵۵۱	۱۴۶۲۳	۴۵۵۳	۱۴۶۳۰	۴۴۰۸	۱۴۶۷۷	۴۵۴۸	تعداد



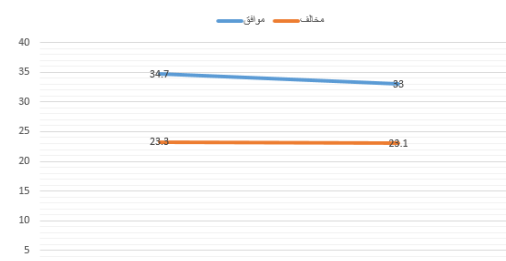
نمودار ۱۰: وضعیت تغییرات در تلاوت قرآن



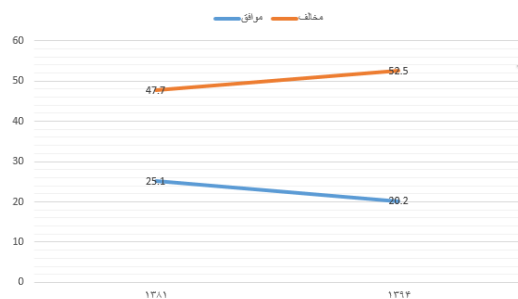
نمودار ۹: وضعیت تغییرات شرکت در مجالس روضه



نمودار ۱۲: وضعیت تغییرات در صدقه دادن



نمودار ۱۱: وضعیت تغییرات در زیارت اماکن متبرکه



نمودار ۱۳: وضعیت تغییرات در استخاره کردن

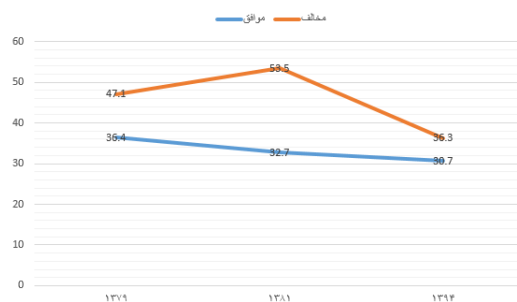
در گویه سایر اعمال دینی که صرفاً در موج دوم و سوم وجود دارد با شاخص های تلاوت قرآن، شرکت در مجالس روضه، صدقه دادن، زیارت اماکن متبرکه و استخاره کردن، داده ها نشان می دهد به جز تلاوت قرآن و شرکت در مجالس روضه که روندی افزایشی داشته شاخص های دیگر یعنی صدقه دادن، زیارت اماکن متبرکه و استخاره کردن از موج دوم تا موج سوم روندی نزولی داشته است. انجام تلاوت قرآن از ۲۰ به ۲۷.۷، شرکت در مجالس روضه از ۳۶.۳ به ۳۸.۱ افزایش یافته است. همچنین صدقه دادن از ۶۸.۶ به ۶۲، زیارت اماکن متبرکه از ۳۴.۷ به ۳۳ و استخاره کردن از ۲۵.۱ به ۲۰.۲ کاهش یافته است.

ج) روابط بین دین و جامعه

۱. جدایی دین از سیاست: این گویه در موج اول به صورت «اگر دین از سیاست جدا باشد، پاک تر می ماند» در موج دوم به صورت «بعضی ها معتقدند دین باید از سیاست جدا باشد، نظر شما چیست» و در موج سوم به صورت «چقدر با جدایی دین از سیاست موافق یا مخالفید» آمده است.

جدول شماره ۹: تغییرات در مفهوم جدایی دین از سیاست

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	جدایی دین از سیاست
۱۱.۴		۱۲.۶	کاملاً مخالف
۲۴.۹	۵۳.۵	۳۴.۵	مخالف
۳۳	۱۳.۸	۱۶.۵	مردد
۲۱.۱	۳۲.۷	۲۷.۴	موافق
۹.۶		۹	کاملاً موافق
۱۴۷۲۰	۳۹۳۰	۱۶۰۴۷	تعداد



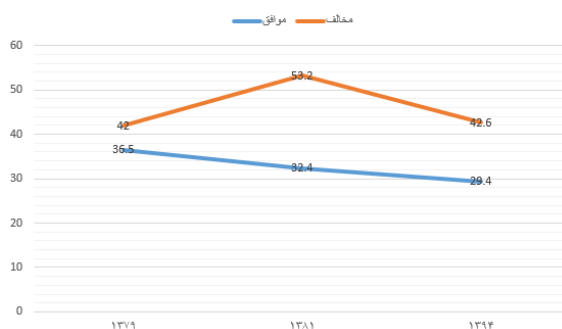
نمودار ۱۴: وضعیت تغییرات در مفهوم جدایی دین از سیاست

گویه جدایی دین از سیاست نشان می دهد علاوه بر آنکه موافقان رو به کاهش هستند مخالفان نیز روندی نزولی داشته اند و این بدان معناست که میانه این طیف یعنی بی طرفان یا مرددان یا به عبارتی بی تفاوتی نسبت به این گزاره در حال افزایش است. موافقان آن از ۳۶.۴ به ۳۲.۷ و سپس به ۳۰.۷ در سال ۱۳۹۴ رسیده اند و مخالفان نیز از ۴۷.۱ به ۵۳.۵ و سپس ۳۶.۳ رسیده اند.

۲. دخالت عقاید مذهبی در استخدام: این گویه در موج اول به صورت «به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند نباید پست و مقام دولتی داد» در موج دوم به صورت «بعضی ها معتقدند دین باید از سیاست جدا باشد، نظر شما چیست» و در موج سوم به صورت «برای گزینش استخدامی افراد در ادارات نباید کاری به عقاید مذهبی آن ها داشت» آمده است. باتوجه به اینکه گویه ها به شکل متضاد آورده شده اند در دو جدول مقایسه می شوند.

جدول شماره ۱۰: تغییرات در مفهوم دخالت عقاید مذهبی در استخدام

۱۳۹۴		۱۳۸۱	۱۳۷۹	
برای گزینش استخدامی افراد در ادارات نباید کاری به عقاید مذهبی آن ها داشت		به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند نباید پست و مقام دولتی داد	به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند نباید پست و مقام دولتی داد	
۷.۲	کاملاً مخالف		۸.۱	کاملاً مخالف
۲۲.۲	مخالف	۵۳.۲	۳۳.۹	مخالف
۲۸	مردد	۱۴.۴	۲۱.۵	مردد
۳۱.۲	موافق	۳۲.۴	۲۸.۴	موافق
۱۱.۴	کاملاً موافق		۸.۱	کاملاً موافق
۱۴۷۶۶	تعداد		۱۶۰۴۷	تعداد



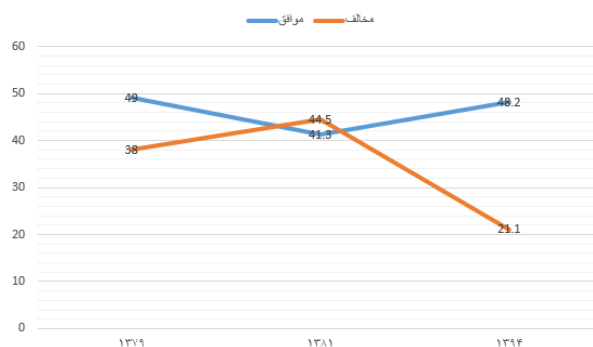
نمودار ۱۵: وضعیت تغییرات در مفهوم دخالت عقاید مذهبی در استخدام

این گویه در موج اول و دوم به یک صورت و در موج سوم به صورت متضاد آمده است که برای ارائه در جدول موج سوم به صورت دو موج قبلی همسان سازی شد. بر این اساس آن دسته از افرادی که باور دارند کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هستند نباید پست و مقام بگیرند در حال کاهش می باشند هر چند مخالفان این گزاره نیز از موج سوم نسبت به موج دوم روندی کاهشی داشته اما به نسبت موج اول نسبتاً ثابت بوده است. بدین ترتیب موافقان آن از ۳۶.۵ به ۳۲.۴ و سپس به ۲۹.۴ رسیده اند در حالی که مخالفان این گزاره از ۴۲ به ۵۳.۲ و سپس ۴۲.۶ رسیده است.

۳. جلوگیری از سایر تفکرات در جامعه: این گویه در موج اول به دو صورت «به کتاب هایی که با عقاید دینی تضاد دارد نباید اجازه چاپ داد» و «به افرادی که عقاید دینی را نمی پذیرند نباید اجازه سخنرانی داد» و در موج دوم و سوم به صورت «بعضی ها معتقدند باید جلوی کتاب ها یا فیلم هایی را که باعث ناراحتی افراد مذهبی می شود گرفت» آمده است.

جدول شماره ۱۱: تغییرات در مفهوم جلوگیری از سایر تفکرات در جامعه

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹		جلوگیری از سایر تفکرات در جامعه
		جلوگیری از نشر کتاب و فیلم	جلوگیری از نشر کتاب و فیلم	
۵.۹				کاملاً مخالف
۱۵.۲	۴۴.۵	۳۲.۴	۲۶	مخالف
۳۰.۵	۱۴.۲	۱۳.۲	۱۲.۵	مردد
۳۳.۶	۴۱.۳	۳۲.۵	۳۷	موافق
۱۴.۶		۱۲.۶	۱۶.۱	کاملاً موافق
۱۴۶۵۷	۴۳۵۴	۱۶۵۳۶	۱۶۵۳۳	تعداد



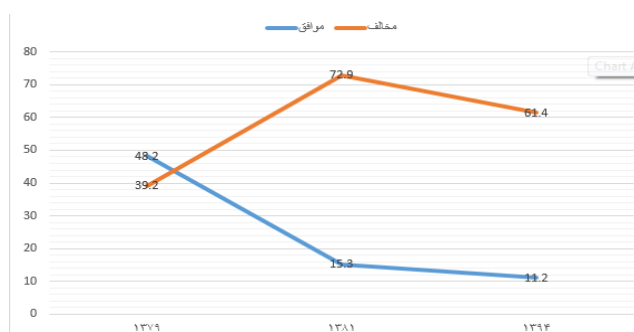
نمودار ۱۶: وضعیت تغییرات در مفهوم جلوگیری از سایر تفکرات

این شاخص به در موج اول در قالب دو گویه و در موج دوم و سوم به یک صورت ارائه شد نشان می‌دهد مخالفان آن به شکل چشمگیری کاهش یافته و موافقان نیز در موج سوم نسبت به موج اول ثابت مانده، هرچند نسبت به موج دوم روندی صعودی داشته است. به این ترتیب موافقان آن از ۴۹ به ۴۱.۳ و سپس به ۴۸.۲ رسیده و مخالفان از ۳۸ به ۴۴.۵ و سپس به ۲۱.۱ رسیده است.

۴. روابط دوستی با افراد غیر مذهبی: این گویه در موج اول به صورت «عقاید مذهبی افراد امری شخصی است و مربوط به خودشان است و رفت و آمد و دوستی با کسانی که عقاید غیر مذهبی دارند اشکال ندارد» و در موج دوم و سوم به صورت «با آدم هایی که نماز نمی خوانند نباید رفت و آمد کرد» آمده است.

جدول شماره ۱۲: تغییرات در مفهوم روابط دوستی با افراد غیرمذهبی

۱۳۹۴	۱۳۸۱	۱۳۷۹	روابط دوستی با افراد غیر مذهبی
با آدم‌هایی که نماز نمی‌خوانند نباید رفت و آمد کرد.	با آدم‌هایی که نماز نمی‌خوانند نباید رفت و آمد کرد.	عقاید مذهبی افراد امری شخصی است و مربوط به خودشان است و رفت و آمد و دوستی با کسانی که عقاید غیرمذهبی دارند اشکال ندارد.	
۲۰.۲		۱۲.۶	کاملاً مخالف
۴۱.۲	۷۲.۹	۳۵.۶	مخالف
۲۷.۳	۱۱.۸	۱۲.۶	مردد
۹	۱۵.۳	۳۱.۵	موافق
۲.۲		۷.۷	کاملاً موافق
۱۴۰۶۰	۴۴۶۳	۱۶۶۶۹	تعداد



نمودار ۱۷: وضعیت تغییرات در روابط دوستی با افراد غیرمذهبی

شاخص روابط دوستی با افراد غیر مذهبی به صورت دوگانه آمده و به همین دلیل گویه موج اول برای ارائه در جدول به صورت گویه موج دوم و سوم همسان‌سازی شد. بر این اساس، موافقان این که با آدم‌هایی که نماز نمی‌خوانند نباید رفت و آمد کرد، به صورت چشمگیری کاهش یافته است و از ۴۸.۲ سال ۱۳۷۹ به ۱۵.۳ و سپس به ۱۱.۲ در سال ۱۳۹۴ رسیده است و مخالفان آن نیز روندی افزایشی داشته و از ۳۹.۲ به ۷۲.۹ و سپس به ۶۱.۴ رسیده است.

نتیجه‌گیری پژوهش

تفاوت میان نسل جوان و نسل گذشته یکی از اساسی‌ترین چالش‌های موجود جامعه امروز است. تغییر در باورها و الگوهای رفتاری، ارزش‌ها و نگرش‌های نسل جوان نسبت به نسل‌های پیشین عمده بوده و موجب به‌وجود آمدن سؤالات بسیاری در اندیشمندان و متفکران اجتماعی شده است. تصور نظم اجتماعی کاملاً همگن و وحدت یافته، تحت یک نظم هنجاری خدشه‌ناپذیر را باید یک اوتوپیا دانست، که به جامعه آرمانی افلاطون شبیه است و در جامعه‌شناسی چندان جایگاهی ندارد. بر این مبنا می‌توان تصور کرد، که جامعه همواره با نسبتی از نزاع و وفاق ارزشی مواجه بوده، اما تعیین حدود مقبول یا نامقبول این نزاع و وفاق بستگی به حدود دوری یا نزدیکی به چنان‌الگوی ایده‌آلی دارد.

همواره وضع موجود در جامعه برمبنای انگاره کلیشه شده موجود، نامناسب است و افراد جامعه از آن ناراضی‌اند. اگر چه این ناراضی‌تی نوعی تلقی فردی از جامعه است و افراد از وضعیت خود رضایتمند نیستند، اما به هنگام تحلیل وضع موجود اجتماعی، این نگرش را تسری داده و ناراضی‌تی خود را از اوضاع اجتماعی بیان می‌کنند. گویی میان انگاره فرد درباب وضعیت فردی و جریان امور در سطح عام اجتماعی، نوعی همبستگی وجود دارد و فرد تصور خود از وضعیت عمومی را با تعمیم وضعیت فردی خود حاصل می‌کند. البته این انگاره کم و بیش در رویکرد سنتی و چپ نیز ریشه دارد. بر مبنای انگاره ارتدکسی چپ که با الگوهای انتخاب عقلانی نیز موجه شده، همواره، نفع فردی عامل اصلی در تعیین نگرش‌ها و تصور فردی از وضعیت عام اجتماعی است.

البته نباید از نظر دور داشت که تصور بالنسبه شایع و عامی وجود دارد مبنی برآنکه با تشدید شکاف‌های طبقاتی و دشواری تأمین درآمد خانواده در ایران پس از انقلاب، رضایت از اوضاع فردی کاسته شده و بنابراین انتظار می‌رود میل به تغییرات رادیکال نیز ضرورتاً افزایش یابد، نکته جالب اینکه یافته‌های پیمایش، نافی این الگوهای بالنسبه کلیشه شده اجتماعی است. گرایش‌ها و باورهای قومی در ایران و میزان فعلیت پدیده هویت‌یابی قومی در میان آن‌ها و مهمتر از همه دلالت‌های سیاسی این پدیده، از جمله مسائل مهم و مورد توجه مسئولان و اولیای امور بوده است. طی سال‌های گذشته، بروز برخی تحولات در قومیت‌های گوناگون ایرانی تصویری از امکان ظهور و بروز هویت‌های قومی به وجود آورده است. همگام با این تحولات، در میان نظریات متعدد، هویت‌خواهی قومی موضوعیت تازه‌ای یافته و مباحث بسیاری برانگیخته است. در عصر استیلای نظام‌های کلان ایدئولوژیک، اعم از راست و چپ، قومیت‌گرایی ایده پیشامدرنی از هویت‌خواهی سیاسی تلقی می‌شده است.

آن‌چه این همه را به رغم تنوع و تعارضات درونی با یکدیگر مشابه می‌ساخت، دعوت به نوعی همسان‌سازی فرهنگی، تحت لوای مفاهیم نوین ایدئولوژیک بود که از حدود تعلقات قومی و منطقه‌ای فراتر می‌رفت. نظریات کلاسیک قومیت‌گرایی نیز کم و بیش بر سرشت پیشامدرن پدیده قومیت تأکید داشته‌اند. همه این‌ها، اما در صحنه عمل موجب بروز نگرانی‌های گسترده در عرصه سیاسی شده است. تقریباً نزدیک به یک دهه است که پرسش از چند و چون هویت‌خواهی‌های قومی در ایران و نحوه پاسخ‌گویی به تقاضاهای قومی مورد توجه محافل فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی کشور قرار گرفته است. هویت‌خواهی‌های قومی در ایران در چه حد و گستره‌ای امکان گسترش دارد؟ استراتژی‌های فرهنگی معطوف به یکسان‌سازی فرهنگی در چارچوب مفاهیمی نظیر ملت و امت تا کجا امکان تداوم دارد؟

رفتارها و نگرش مردم در جامعه همواره دستخوش تغییر بوده است. این تغییرات موجب تحولات کلان اجتماعی در مقاطع مختلف تاریخی می‌شود. بسیاری از این تغییرات در رفتارها و نگرش‌های افراد جامعه، می‌تواند دارای دلایل گوناگون باشد. برخی از علل این تغییرات برون‌ی بوده و خاستگاه آن خود جامعه است. مانند تغییر در شیوه معیشت، شهرنشینی، صنعتی‌شدن جامعه، افزایش سطح تحصیلات و حتی شکل‌گیری نحله فکری جدید در جامعه. برخی دیگر از علل این دگرگونی، به‌عوامل بیرونی بر می‌گردد، عواملی چون، نزدیکی فرهنگ‌ها، تأثیر فرهنگ‌های دیگر و ارتباطات گسترده فرهنگی میان کشورها و ... براساس یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که مجری آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران بوده است در بخش دینداری باید گفت در برخی از شاخص روندی کاهشی، در برخی صعودی و در برخی دیگر نیز روند به صورت ثابت بوده است. از میان گویه‌های در امواج سه گانه پیمایش در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴ صرفاً برخی از آنها مشترک بود که همان موارد استخراج و در این تحقیق آورده و تحلیل و بررسی شد. بر این اساس ۱۲ گویه در سه قالب نگرش‌ها و باورهای دینی، اعمال و رفتار دینی و رویکرد روابط بین دین و جامعه تدوین و ارائه شد. بر پایه داده‌های این تحقیق در بخش نگرش‌ها و باورهای دینی رویکرد دوگانه‌ای رخ داده به صورتی که اعتقاد به معاد و توکل به خداوند نسبت به گذشته دچار کاهش و روندی نزولی شده ولی در عین حال احساس نزدیکی به خدا و اعتقاد به اینکه قلب انسان باید پاک باشد ولو نماز نخواند افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد اعتقاد اندکی کاهش یافته اما تجربه‌های دینی افراد که جلوه‌اش

احساس نزدیکی به خداست در حال افزایش است و افزایش اعتقاد به قلب پاک نیز همین گزاره تجارب دینی بدون اعمال دینی را تایید می‌کند به نحوی که گویا بر اساس نظریات امثال عبدالکریم سروش و استیو بروس و دیگران در حال ایجاد یک دین بدون شکل هستیم.

همچنین در بخش اعمال و مناسک دینی، یافته‌ها نشان می‌دهد به طور کلی میزان نماز خواندن، روزه گرفتن، صدقه دادن، زیارت امکان متبرکه و استخاره گرفتن افراد در سطح کشور دچار کاهش شده اما در میان افرادی که معتقد به این امور هستند برخی از گویه‌ها همچون نماز جمعه و جماعت، شرکت در محافل دینی دارای افزایش بوده است. در بخش رویکرد روابط بین دین و جامعه نیز داده‌های اندکی چند سطحی و پیچیده‌تر هستند به نحوی که در گویه جدایی دین از سیاست هم موافقان و هم مخالفان آن با کاهش مواجه هستند و این نشان می‌دهد افراد مردد و یا بی‌تفاوت نسبت به آن در حال افزایش می‌باشند. همچنین موافقان دخالت عقاید در استخدام افراد رو به کاهش می‌باشد این در حالی است که موافقان جلوگیری از سایر تفکرات از طریق کتاب، فیلم و سخنرانی رو به افزایش است. همچنین در گویه دوستی با افرادی که عقاید مذهبی ندارد، موافقان آن حکایت از افزایش این رویکرد دارد. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به این که دینداری در افراد بسیار پیچیده و چندسطحی است این یافته‌های به صورت مصاحبه و کیفی نیز در میان نسل‌های مختلف تحقیق و بررسی نیز شود.

منابع

- آشنا، حسام الدین؛ روحانی، محمدرضا، ۱۳۸۹، هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره سوم. ش ۴.
- اشرفی، اکبر، ۱۳۸۰، هویت فرهنگی در عصر مشروطه، *فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی*، شماره ۲۲ و ۲۳.
- اعظم آزاده، منصوره؛ توکلی، عاصفه، ۱۳۸۸، فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۹.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۴، *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلامعباس و ابوالفضل مرشدی، ۱۳۸۵، بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۴.
- خلیلی، سمانه؛ باقری، خسرو؛ ایروانی، شهین؛ فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۹۴، ماهیت سه‌گانه فرهنگ ایران و ره‌آورد آن در تربیت دینی، *فصلنامه ارزش‌شناسی در آموزش*، شماره ۱.
- درخشه، جلال؛ جعفرپور، رشید، ۱۳۸۸، مدیریت بحران‌های هویتی در ایران، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۰.
- دورکیم، امیل، ۱۳۸۹، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، *وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی*، تهران، نشر فرا.
- زهیری، علیرضا، ۱۳۸۹، *جمهوری اسلامی و مسأله هویت ملی*، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۹۲، *آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران*، تهران، نشر ققنوس.
- قادری، طاهره؛ زارع، سعید، ۱۳۹۰، بررسی مفاهیم و مقوله‌های به‌کار گرفته شده جهت سنجش نوع دینداری، *فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، شماره ۶.
- کاظمی پور، عبدالمحمد، ۱۳۸۶، *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۱، *راهی به رهایی: دین و دینداری در جهان معاصر*، تهران، انتشارات نگاه معاصر.

Investigating Changes in Iranian Religious Behaviors based on Data Analysis of Surveys of Iranian Values and Attitudes

Assadollah Babaei Fard

Associate Professor, Faculty of Social Sciences,
University of Kashan

babaiefardm@gmail.com

Ehsan Sanatkar

Master of Cultural Studies, University of Kashan

e.sanatkar@chmail.ir

Abstract

In the past few decades, with the increase of communication network, rapid access to information and social networks, Iranian society has faced cultural changes and transformations that these changes have had transient effects in various fields, including religiosity. The purpose of this study is to investigate the developments in Iranian religious behaviors based on the findings of the three waves of surveying Iranian values and attitudes in ۲۰۰۰, ۲۰۰۲ and ۲۰۱۵ using the secondary analysis method. The results of this study show that some of the basic indicators of religiosity, such as belief in the resurrection, trust in God, the rate of religious duties in recent years has been declining, while some other indicators such as having a pure heart, participating in prayer meetings, etc., an upward trend and some other indicators have remained relatively constant. These data show that we are gradually coming to terms with many forms of religiosity, perhaps the most important of which is the private religion that is being promoted among young people.

Keywords: Values, Changes, Culture, Religious Behaviors, National Surveys of Iranian Values and Attitudes.